

تکنیک های روانشناختی برای بهبود شرایط مدیریت کلاس و تنزل رفتارهای نامطلوب

یوسف چشمه نور

هنرآموز هنرستان امام حسین آموزش و پرورش شهرستان پلان

چکیده

کلاس درس به عنوان یک گروه یا نظام اجتماعی دارای همه ویژگی های سیستم های اجتماعی است که مورد توجه صاحب نظران علوم رفتاری قرار دارد. مدیریت کلاس بر عهده معلم است که قبل از آموزش یا هر گونه اقدام تربیتی و رفتاری باید کلاس درس را جهت تحقق اهداف، مدیریت نماید. مدیریت کلاس درس چون سایر مدیریت ها مستلزم کارکردهایی چون طراحی و سازماندهی، هماهنگی و رهبری، کنترل و نظارت و ارزشیابی است که بدلیل در هم تنیدگی، این کارکردها از یکدیگر تفکیک پذیر نیستند. امروزه، از مهم ترین چالش های یک معلم در کلاس، ارتباط مؤثر و صحیح با فراگیران است از طرف دیگر ارتباط معنا دار، کلید اجرای موفقیت آمیز بسیاری از شیوه های مدیریت در کلاس می باشد. ارتباط عامل اصلی یادگیری است که شاخص های متعددی را در بر می گیرد. اهمیت ارتباط در کلاس درس آنقدر زیاد است که بعضی از صاحب نظران معتقدند ارتباط و اداره و کنترل یک کلاس درس لازم و ملزوم یکدیگرند. در برقراری ارتباط با دانش آموزان در کلاس، معلم با موانع و عوامل زیادی روبروست. که آگاهی و تسلط معلم بر این موارد و مهارت های ارتباطی در جهت تحقق اهداف آموزشی امری اجتناب نا پذیر است. اداره کلاس درس یعنی استفاده از فنون ایجاد و حفظ یک محیط سالم و خالی از مشکلات رفتاری. هدف اصلی معرفی و پیشنهادهایی برای مدیریت موثر کلاس درس بود. در این جا به سبک های مختلف یادگیری از جمله: سبک اقتدارگرایانه، سبک مستبدانه، و سبک آزادگذاری اشاره شد. همچنین راهکارهای اصلاحی رفتار که شامل: استدلال کردن و اصول و روش های تغییر رفتار می شد شرح داده شدند. اصول و روش های تغییر رفتار شامل: (۱) روش های افزایش نیرومندی رفتارهای مطلوب موجود. (۲) روش های ایجاد رفتارهای مطلوب تازه. (۳) روش های نگهداری رفتارهای مطلوب. (۴) روش های کاهش و حذف رفتارهای نامطلوب

واژه های کلیدی: تکنیک های روانشناختی، بهبود، مدیریت کلاس، کاهش، رفتارهای نامطلوب.

مقدمه:

تعاریف مدیریت از کلاس درس با توجه به نگرش صاحب نظران متعدد است ولی می‌توان همه تعاریف را به دو مقوله طبقه‌بندی کرد. بخش عمده‌ای از تعاریف، مدیریت کلاس درس را مترادف با "کنترل و انضباط" و یا "طراحی و سازماندهی" کلاس درس در نظر گرفته‌اند. در این دیدگاه تدریس و آموزش برجسته‌تر از مدیریت کلاس می‌باشد دیدگاه دوم، کلاس درس بعنوان یک نظام اجتماعی است که شامل همه فعالیت‌های معلم در کلاس درس می‌شود. این دیدگاه مدیریت کلاس درس را شامل سه مرحله، مقدمات (طراحی و سازماندهی) اجرا (رهبری، هماهنگی، کنترل، آموزش) و ارزشیابی می‌داند. این دیدگاه زمینه‌پویایی، توصیف، تحلیل و تبیین کلاس درس و فعالیت‌های معلم را فراهم می‌کند. (ریس و مور، ۱۳۸۱)

به‌طور خلاصه مدیریت کلاس درس به مفهوم "ایجاد شرایط لازم برای تحقق یادگیری است". (اسکریونر، ۱۹۹۴) معلمان در کلاس درس با چالش‌های مهمی روبرو هستند از جمله: ایجاد انگیزه برای همه دانش‌آموزان، انجام کارهای گروهی، نظارت بر رفتار دانش‌آموزان، نظارت بر پیشرفت یکایک دانش‌آموزان که مدیریت صحیح کلاس می‌تواند توانایی معلم را دو برابر تقویت کند. بطوریکه مدیریت مناسب کلاس مبتنی بر شیوه دانش‌آموز محوری و ارتباطی هوشمندانه و عاطفی با فراگیر، موجب تحقق نظم، تقویت انگیزه‌های درونی برای انجام هرچه بهتر فعالیت‌های مرتبط با یادگیری می‌شود.

از طرف دیگر محیط کلاس‌آکنده از معنایی، روابط و پیام‌هاست. ارتباط فرایندی پویا و در جریان است که بر دانش و آگاهی‌های قبلی طرفین مبتنی است. مهم‌ترین کانال‌های ارتباط، کلامی و غیر کلامی است که از چهار عنصر اصلی ارتباط فرستنده، پیام، کانال و گیرنده تشکیل شده است.

اکثر تعاملات با دیگران مستلزم استفاده از زبان است و هیچ‌یک از دیگر نظام‌های ارتباطی ویژگی‌های زبان را ندارد. اولین گام در هر رویارویی اجتماعی و یکی از مهم‌ترین استفاده‌های زبان در تعامل خطاب کردن طرف مقابل می‌باشد. هم‌چنین نحوه استفاده ما از شکل‌های زبانی از قبیل ضمائر شخصی و شکل‌های خطاب در یک محاوره متأثر از عرف‌های فرهنگی می‌باشند.

پیام‌های کلامی تنها بخش کوچکی از ارتباط میان فردی را تشکیل می‌دهند و این پیام‌ها معمولاً با نظم غنی از علائم غیر کلامی همراه‌اند که پیام کلامی را حمایت، اصلاح یا حتی کاملاً عوض می‌کنند. محیط کلاس محیط کاملاً پیچیده‌ای از انواع پیام‌های کلامی و غیر کلامی است چون سر و صدا، نگاه خیره، لبخند، ژست و تغییرات، لمس کردن، وضع اندام، کلمات، جملات، اشاره.

از تکنیک‌های مدیریت مؤثر معلم در کلاس درس، حرف زدن در درجه اول اهمیت قرار دارد. وی با یک محیط کلامی سر و کار دارد. معلم باید با مهارت خوب حرف زدن و خوب گوش دادن آشنایی کامل داشته باشد. در این صورت قادر خواهد بود به احساسات، اطلاعات و عواطف دانش‌آموزان خود پی ببرد. گوش دادن دارای موانع می‌باشد از جمله انتقال ذهن، موانع عاطفی، انتقال شباهت و تفکر دو ارزشی، که معلم می‌تواند، استفاده از شیوه‌های مناسب مدیریت کلاس و ارتباطی صحیح در آغاز سال تحصیلی، حس پیش‌بینی و نظم را در دانش‌آموزان رشد بدهد و آنها در انجام کارهای روزانه آماده‌تر باشند. محیط کلاس، محیط منطقی، آرام، امن و تشکیلاتی شده که فشار روانی در آن کاهش می‌یابد و معلم و دانش‌آموز جهت تحقق ضرورت‌های کاری خود در مدرسه با هم همکاری می‌کنند.

کلاس درس به عنوان یک سازمان، شبکه پیچیده‌ای از ارتباطات و هماهنگی فعالیت‌هایی که تبادل اطلاعات میان واحدهای گوناگون و متعدد آن مستلزم پیش‌بینی و تدارک طرق و وسایل ارتباطی مؤثر است زیرا سازمان بدون ارتباطات هرگز قادر به

ادامه حیات نیست، اگر ارتباطات مؤثر و سالم وجود نداشته باشد. تصمیم‌گیری فرد معلم به شدت با مشکل روبرو خواهد شد و اداره و کنترل کلاس میسر نخواهد بود.

از ملاک‌های مختلف ارتباطات را می‌توان به انواع متعدد تقسیم کرد: ارتباطات رسمی - غیر رسمی، یک جانبه - دو جانبه، نزولی - صعودی، افقی - عمودی، کلامی - غیر کلامی، آشکار - پنهان و شفاهی - کتبی. (با استفاده از: سرمد، ۱۳۸۰) متخصصان علم ارتباط شناسی بر این باورند که فرایند ارتباط از ساده‌ترین تا پیچیده‌ترین حالت نوسان دارد و حداقل از سه عنصر فرستنده پیام، پیام و گیرنده پیام تشکیل شده است. فرستنده پیام یا منبع، مطلب مورد نظر را با بیانی که برای گیرنده پیام قابل فهم باشد در می‌آید (رمز گردانی) و آن را به کمک وسیله‌ای به مخاطب ارسال می‌کند. در کلاس درس بیان قابل فهم معلم برای دانش‌آموزان همان رمز گردانی است و وسیله انتقال آن نیز زبان معلم است. گیرنده پیام، پس از دریافت، آن را کشف رمز می‌کند، یا مجدداً رمز گردانی کرده و واکنش خود را به فرستنده پیام منعکس می‌کند (باز خورد) که سؤال و جواب متعدد بین معلم و دانش‌آموز نمونه‌ای از آن می‌باشد.

بی‌گمان در دوران معاصر، حرفه تدریس یکی از دشوارترین مشاغل محسوب می‌گردد. چه آنکه علاوه بر آگاهی از دانش تخصصی، هر معلمی باید از هنر و تجربه تدریس نیز برخوردار باشد. معلمان موفق به شیوه‌های متفاوتی عمل می‌کنند، اما در یک رویکرد با هم مشترکند که آن، توانایی اداره کردن کلاس خود به طور مؤثر و کارآمدی باشد. بدون مهارت‌های مورد نیاز برای عملی کردن این کار حتی معلمان علاقمند و مطلع نیز شکست خواهند خورد. مهارت‌های معین بسیاری وجود دارد که دارا بودن آن‌ها برای معلمان در درجه اول اهمیت قرار دارد و مدیریت کلاس از جمله مواردی است که معلمان برای ایفای مؤثر وظیفه خود به آنها نیاز دارند. مدیریت کلاس می‌تواند یکی از مؤثرترین عوامل و هسته‌ی اصلی مهارت‌های تدریس باشد که هم دانشجو-معلمان و هم معلمان با تجربه باید همواره آن را بهبود بخشند. از این رو در این مقاله سعی شده است راهبردهایی برای اداره مؤثر کلاس درس معرفی و پیشنهاد شود.

بی‌گمان در دوران معاصر، حرفه تدریس یکی از دشوارترین مشاغل محسوب می‌گردد. چه آنکه علاوه بر آگاهی از دانش تخصصی، هر معلمی باید از هنر و تجربه تدریس نیز برخوردار باشد. معلمان موفق به شیوه‌های متفاوتی عمل می‌کنند، اما در یک رویکرد با هم مشترکند که آن، توانایی اداره کردن کلاس خود به طور مؤثر و کارآمدی باشد. بدون مهارت‌های مورد نیاز برای عملی کردن این کار حتی معلمان علاقمند و مطلع نیز شکست خواهند خورد. مهارت‌های معین بسیاری وجود دارد که دارا بودن آن‌ها برای معلمان در درجه اول اهمیت قرار دارد و مدیریت کلاس از جمله مواردی است که معلمان برای ایفای مؤثر وظیفه خود به آنها نیاز دارند. مدیریت کلاس می‌تواند یکی از مؤثرترین عوامل و هسته‌ی اصلی مهارت‌های تدریس باشد که هم دانشجو-معلمان و هم معلمان با تجربه باید همواره آن را بهبود بخشند. از این رو در این جا سعی شده است راهبردهایی برای اداره مؤثر کلاس درس معرفی و پیشنهاد شود.

بیان مسئله:

معلم در نقش رهبر کلاس درس مسئول هدایت و تدوین برنامه‌هایی برای یکسال تحصیلی است که مطمئن شود که دانش‌آموزان ملاک‌ها و معیارهای ناحیه یا منطقه آموزش و پرورش و اهداف تدوین شده در رابطه با بهبود مدرسه را درک و درصدد تحقق آنها هستند. رهبری معلم در کلاس درس با مؤلفه‌هایی چون الگو سازی، نفوذ بر زیر دستان، آموزش غیر مستقیم،

تقویت عزت نفس، روابط باز و منطقی، مربی گری و پرورش دادن، کمک به دانش آموزان القای موفقیت و امید دادن مشخص می شود.

نگرش معلم به ماهیت کلاس درس، موضوع و محتوای درس و ماهیت دانش آموزان بر چگونگی رفتار او تأثیر دارد. بعضی از معلمان کلاس درس را یک سازمان رسمی و غیر قابل انعطاف تلقی می کنند، قوانین باید دقیق رعایت شود، مطالب انتقال یابد، معلمان با نگرش کلاسیک بر موضوع های درس تأکید می کنند. در مقابل برخی معلمان کلاس درس را یک سازمان اجتماعی، قابل انعطاف در نظر می گیرند و جهت رسیدن به اهداف با دانش آموزان رابطه ای دوستانه و صمیمانه برقرار می کنند. چنین معلمانی با نگرش روابط انسانی بر رشد دانش آموز بیشتر تأکید دارد.

رهبری اثر بخش در کلاس درس تحت تأثیر عوامل مختلفی چون شرایط فرهنگی اجتماعی، نگرش های معلم به انسان، ساختار کلاس، ماهیت تعلیم و تربیت، سطح دانش، آگاهی ها و مهارت های شغلی معلمی، سطح انگیزش دانش آموزان و هدف های آموزشی است. تأثیر متقابل این عوامل معلم را به سبک رهبری خاصی سوق می دهد. به طور کلی سبک های رهبری را در کلاس درس می توان به سه شیوه آمرانه، مشورتی و عدم مداخله تقسیم کرد. معلم مستبد، شخصی است که دوست دارد بدون استفاده از مهارت های مدیریت، کنترل کاملی بر کارها داشته باشد و تصمیم او تنها تصمیم با اهمیت در کلاس است. در سبک رهبری متعادل، معلم محدودیت ها را در نظر گرفته و انتظارات به وضوح به دانش آموزان تفهیم می شود و به خوبی کارهای روزانه و شیوه های آموزش جریان بیدار می کند تا کلاس درس منظمی بوجود آید. این سبک دانش آموز مدار است. مفهوم کنترل بر کلاس درس غالباً معنای ضمنی نا مطلوبی دارد چون به نظر می رسد که اعمال کنترل یا نظارت، آزادی عمل فردی را تهدید می کند. ولی واقعیت اجتماعی این است که هر فعالیت گروهی، اجتماعی و سازمانی مستلزم نوعی کنترل یا نظارت است تا از این طریق فعالیت ها و روش های انجام امور بهبود یافته و تحقق اهداف آموزشی سرعت یابد. (علاقه بند، ۱۳۷۸)

معلمان می توانند از هر دو نوع فعالیت استفاده کنند ولی معلمانی که از فعالیت های باز دارنده (تدوین مقررات و استفاده از رفتارهای خاص) استفاده می کنند، اثر بخش تر است، به این ترتیب کارهای روزمره ی کلاس که معلم به منظور پیشگیری از اختلالات رفتاری و تصحیح مشکلات رفتاری انجام می دهد تا تسلط مناسب بر کلاس را پیدا کند کنترل یا انضباط نامیده می شود.

توانایی ایجاد ارتباط اثر بخش با دانش آموزان، نگهداری فعالیت های کلاس در یک حالت زنده، فعال و شاداب، آگاهی دادن دانش آموزان نسبت به مسئولیت شان در انجام تکالیف و یادگیری مطالب، ایجاد تنوع در فعالیت های کلاس بسیار مؤثر است معلمان با توجه به نگرش، دانش، بینش و تصوراتشان از تعلیم و تربیت، روشها، اهداف آموزشی، ساختار سازمان، اقتدار و مفهوم مدیریت، به کلاس درس به گونه ای خاص نگاه می کنند. به طور کلی مدیریت کلاس درس با توجه به نظریات کلاسیک، روابط انسانی و یا سیستمی انجام می شود. بعضی از معلمان کلاس را یک ساختار رسمی با سلسله مراتب اقتدار در نظر می گیرند. این معلمان بر رعایت قواعد و مقررات، نظم و انضباط دقیق، استفاده از قدرت رسمی و انتقال مطالب درسی تأکید می کنند. معلمان معتقد به روابط انسانی، کلاس درس را یک گروه اجتماعی تلقی می کنند و بر روابط دوستانه، صادقانه و صمیم تأکید می کنند و بیشتر از قدرت شخصی یعنی تخصص، جذابیت و مرجعیت استفاده می کنند. معلمان معتقد به دیدگاه سیستمی کلاس را یک سیستم باز در نظر می گیرند که در کنش و واکنش با محیط بیرونی است. این گونه معلمان به ساختار رسمی و سازمان غیر رسمی هر دو توجه دارند. از انواع اقتدار با توجه به شرایط و اقتضای موقعیت استفاده می کنند. این

معلم‌ان کلاس درس را یک سیستم باز در نظر می‌گیرند و بر ایجاد ارتباط با اولیای دانش‌آموزان و درگیر نمودن آنها در تعلیم و تربیت فرزندانشان تأکید می‌کنند. هر کلاس درسی در اثر تعاملات معلم و شاگرد، شاگردان با یکدیگر، شیوه‌ی طراحی و سازماندهی، شیوه‌های نظارت و کنترل و رهبری و ارزشیابی، وضعیت و شرایط خاصی را به خود می‌گیرد که اصطلاحاً به آن جو سازمانی یا شخصیت کلاس درس می‌گویند. جو یادگیری در هر کلاسی ناشی از ادراک گروهی دانش‌آموزان و معلم است. این جو بر نگرشها و رفتار دانش‌آموزان و معلم تأثیر می‌گذارد. معلم‌ان برای رابطه‌ی مثبت با دانش‌آموزان نیاز به تلاش و محرک دارند. معلمی که انتظارش روشن و با دانش‌آموزان مهربان بوده و رابطه‌ای متقابل توأم با احترام با آنها دارد، در حال رهبری و مدیریت صحیح دانش‌آموزان است. مهربانی و توجه معلم نسبت به دانش‌آموزان باعث می‌شود که دانش‌آموزان انتظارات مربوط به رفتارهای متناسب از خود نشان دهند. معلم‌ان در کلاس درس نیازی به سرد بودن و جدایی از دانش‌آموزان ندارد. رابطه‌ای مؤثر همراه با حسن تفاهم با دانش‌آموزان فضایی مثبت و مطلوب از کلاس درس را فراهم خواهد آورد. و در نهایت در سایه مدیریت صحیح کلاس و ارتباط مؤثر با کلاس نه تنها اهداف آموزشی تحقق خواهد یافت بلکه فراگیر برای ورود به جامعه بزرگتر از نظر مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی آمادگی لازم را کسب خواهد نمود

مدرسه قشر عظیمی از جمعیت هر کشوری را در اختیار دارد که سرمایه‌های پرارزش جامعه و امیدهای درخشان مملکت تلقی می‌شوند و عامل مهمی در رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور به شمار می‌روند. لذا این نهاد تربیتی بخش قابل توجهی از اوقات دانش‌آموزان را به خود اختصاص می‌دهد که در صورت برقراری رابطه‌ای مناسب در رفتارهای فرد، چه از نظر آموزشی و چه تربیتی، نقش مهمی را ایفا می‌کند. مدرسه، هم منشأ شکل‌گیری رفتارهای خشونت‌آمیز و ناسازگارانه اجتماعی و هم محیطی برای پیشگیری و کاهش آن تلقی می‌شود. در محیط کلاس و مدرسه دانش‌آموزانی حضور دارند که به دلیل خصوصیات و شرایط فردی، خانوادگی و اجتماعی، در پذیرش انتظارات و مقررات محیط آموزشی و انطباق با آن چندان موفق نیستند. مشکلات رفتاری دانش‌آموزان مدرسه‌های متوسطه اول و شاید همه دوره‌های تحصیلی عبارت‌اند از: ادای کلمات زشت، القاب ناشایست، بیان واژه‌های مخرب، فرار از مسئولیت‌های فردی و اجتماعی، بی‌احترامی به حقوق دیگران، صدا کردن معلم به اسم، بی‌حرمتی نسبت به دبیر، طبل کردن میز کلاس، جویدن آدامس در کلاس و در حضور کارکنان و مدیریت مدرسه، مسخره کردن معلم، خالکوبی روی دست، بی‌رغبتی و بی‌علاقگی به کارهای گروهی و جمعی، ریختن آشغال خوردنی در فضای کلاس و مدرسه، بی‌توجهی به نظافت شخصی، ضعف اخلاق فردی، تأخیرهای مکرر در ورود به مدرسه و مراسم صبحگاهی، ناآشنایی اعتقادی با آداب انجام فریضه‌های دینی و گاهی اظهار دین‌گریزی، پرخوری، بی‌توجهی به سلامت خود، کم‌تحریکی، گوشت‌پشتی و نادرست راه رفتن. تصورشان این است که دنیا یعنی خوردن و خوابیدن و نوشیدن. از لحاظ اقتصادی هم بعضی از دانش‌آموزان نسبت به حفظ و حراست از اموال مدرسه و حتی لباس‌های خود بی‌تفاوت هستند. تصورشان این است که باید امروز را خوش بود و تا می‌توان مصرف کرد. اصلاً این تیپ دانش‌آموزان با کلمه صرفه‌جویی، به فکر اموال عمومی بودن و این دست کلمات کاملاً بیگانه‌اند.

لذا موضوع اصلی این بود که چگونه می‌توانم از روش‌های اصولی و علمی، رفتارهای نامطلوب زیستی، اجتماعی و اقتصادی تعدادی از دانش‌آموزان را کاهش دهم و نگرش مثبت و بهتری در خصوص احساس لذت و شادابی در دانش‌آموزان به‌منظور دستیابی به بدنی سالم، مسئولیت‌پذیری در برابر خود، خانواده و جامعه، مدیریت پول توجیبی به‌منظور کمک به اقتصاد خانواده و رعایت صرفه‌جویی تقویت یا ایجاد کنم. همچنین، افزایش حضور داوطلبانه دانش‌آموزان را در مراسم مذهبی و شرکت فعالشان را در آموزش‌های دینی همچون نماز جماعت، افزایش دهم و در نهایت از دلزدگی و افت تحصیلی آنان جلوگیری کنم.

اهمیت و ضرورت تحقیق:

کلاس درس به عنوان یک سازمان، شبکه پیچیده‌ای از ارتباطات و هماهنگی فعالیت‌هایی که تبادل اطلاعات میان واحدهای گوناگون و متعدد آن مستلزم پیش‌بینی و تدارک طرق و وسایل ارتباطی مؤثر است زیرا سازمان بدون ارتباطات هرگز قادر به ادامه حیات نیست، اگر ارتباطات مؤثر و سالم وجود نداشته باشد. تصمیم‌گیری فرد معلم به شدت با مشکل روبرو خواهد شد و اداره و کنترل کلاس میسر نخواهد بود.

از ملاک‌های مختلف ارتباطات را می‌توان به انواع متعدد تقسیم کرد: ارتباطات رسمی - غیر رسمی، یک جانبه - دو جانبه، نزولی - صعودی، افقی - عمودی، کلامی - غیر کلامی، آشکار - پنهان و شفاهی - کتبی. (با استفاده از: سرمد، ۱۳۸۰) متخصصان علم ارتباط شناسی بر این باورند که فرایند ارتباط از ساده‌ترین تا پیچیده‌ترین حالت نوسان دارد و حداقل از سه عنصر فرستنده پیام، پیام و گیرنده پیام تشکیل شده است. فرستنده پیام یا منبع، مطلب مورد نظر را با بیانی که برای گیرنده پیام قابل فهم باشد در می‌آید (رمز گردانی) و آن را به کمک وسیله‌ای به مخاطب ارسال می‌کند. در کلاس درس بیان قابل فهم معلم برای دانش‌آموزان همان رمز گردانی است و وسیله انتقال آن نیز زبان معلم است. گیرنده پیام، پس از دریافت، آن را کشف رمز می‌کند، یا مجدداً رمز گردانی کرده و واکنش خود را به فرستنده پیام منعکس می‌کند (باز خورد) که سؤال و جواب متعدد بین معلم و دانش‌آموز نمونه‌ای از آن می‌باشد.

با استفاده از روش «استخوان ماهی»^۱ و نگاه به مسئله‌های اصلی از جنبه‌های گوناگون، به یافتن راه‌حل‌ها پرداختیم. به‌طور کلی، رفتارهای نامطلوب دانش‌آموزان را از دو راه می‌توان کاهش داد: یکی جانشین کردن رفتارهای مطلوب به جای آن‌ها و کاهش غیرمستقیم رفتارهای نامطلوب؛ دیگری کاهش مستقیم رفتارهای نامطلوب. (سیف، ۱۳۹۳: ۵۸۳) لذا راه‌حلهایی که پس از بررسی و تحلیل اطلاعات شناسایی شدند، به شرح زیر بیان می‌شوند:

فعال کردن شورای معلمان

با دبیران در خصوص بهره‌گیری از روش‌های تقویت تفکیکی رفتارهای با نرخ کم (تقویت به پاسخ‌هایی وابسته است که به تعداد کمتری انجام می‌شوند)، تقویت تفکیکی رفتار ناهم‌ساز (از طریق تقویت نکردن رفتار نامطلوب و تقویت کردن رفتاری که با آن ناهم‌ساز یا مغایر است)، به کاهش رفتار نامطلوب اقدام می‌شود. (مثال: دانش‌آموزی که در کلاس مزاحم هم‌کلاسی‌هایش می‌شود، کمتر به درس و کار خود می‌رسد. هر وقت دانش‌آموز آرام در صندلی خود می‌نشیند و به انجام کارهای خودش می‌پردازد و کاری به کار دانش‌آموزان دیگر ندارد، او را تقویت می‌کنیم).

همچنین، تقویم زمان‌بندی شورای معلمان با بهره‌مندی از نظرات آنان و موضوعاتی مانند طرح درس، روش‌های نوین تدریس و مدیریت کلاس تنظیم شد. علاوه بر آن، در فرصت‌های مناسب و موقعیت‌های مقتضی که دبیران حوصله شنیدن و گفت‌وگو داشتند، در خصوص مدیریت کلاس و مسائل مربوط به آن بحث و تبادل نظر به عمل می‌آمد. لازم به توضیح است، شورای دبیران با تفاهم ایجاد شده و اطلاع‌رسانی به اولیا، نیمی از زمان جلسه از وقت کلاسی و نیمی دیگر از وقت آزاد دبیران تشکیل می‌شد.

گفت‌وگو جلسه با اولیای دانش‌آموزان

با توجه به مصوبه انجمن اولیا و مربیان مقرر شد برای اولیای هر سه پایه تحصیلی به صورت منفک و پایه‌ای جلساتی با موضوعاتی مانند «ویژگی‌های رشد در دوره اول متوسطه و... به صورت مستمر برگزار شود. در این جلسات با بهره‌مندی از منابع علمی و تربیتی در خصوص رفتارهای نامناسب دانش‌آموزان و راهکارهای مربوطه به صورت مفصل گفت‌وگو صورت می‌پذیرفت.

محروم کردن از تقویت

فردی را که رفتار نامطلوبی انجام داده است، برای مدتی از دریافت تقویت محروم کنیم؛ برای مثال محروم از ورزش. این راه حل به منظور رعایت انضباط در کلاس قبل از حضور دبیر، رعایت نکات ایمنی در زنگ‌های تفریح در حیاط مدرسه، رعایت نظم معقول و منطقی در مراسم و این گونه موارد به کار گرفته شد.

اعمال شیوه‌های اجرایی تنبیهی آیین‌نامه اجرایی مدرسه

معلم، مدیران و کارشناسانی که در محافل خصوصی و گاهی رسمی اعلام می‌دارند از زمانی که تنبیه بدنی برداشته شده است، دانش‌آموزان دیگر درس نمی‌خوانند (البته این ادعا مبنای علمی و تربیتی ندارد)، از ابزار قانونی آیین‌نامه اجرایی مدرسه که بخشی را به شیوه‌های اجرایی تنبیهی پرداخته است، غفلت کرده‌اند. لذا با توجه به شناخت نسبت به این ظرفیت قانونی، از آن به خوبی بهره‌جستم و با تبیین نکات تشویقی و تنبیهی آیین‌نامه در فرصت‌های مناسب و برای دانش‌آموزان و اولیا، توانستم بدون بهره‌گیری از خشونت‌های عرف مدرسه‌داری، از آن به خوبی استفاده کنم (تذکر و اخطار شفاهی به‌طور خصوصی، تذکر و اخطار شفاهی در حضور دانش‌آموزان کلاس مربوط، تغییر کلاس در صورت وجود کلاس‌های متعدد در یک پایه البته با اطلاع ولی دانش‌آموز، اخطار کتبی و اطلاع به ولی دانش‌آموز و اخراج موقت از مدرسه حداکثر برای مدت سه روز).

ارائه الگوی عملی در آموزش مبانی اعتقادی و اخلاقی

برای به‌کارگیری این راه حل از روش ایجابی استفاده و سعی شد از شیوه سلبی نیز بهره‌برده شود. مثال: همراه دانش‌آموزان در نماز جماعت ظهر و عصر شرکت می‌کردم؛ همراه دانش‌آموزان و همان محلی که آنان وضو می‌گرفتند وضو می‌گرفتم؛ در حضور دانش‌آموزان لباس مناسب و رسمی می‌پوشیدم؛ به دانش‌آموزان اجازه می‌دادم به طور کامل صحبت کنند؛ زمانی که دهانم پر بود صحبت نمی‌کردم و در حضور دانش‌آموزان در مکان‌ها و مراسم رسمی چیزی نمی‌خوردم؛ به اولیا در حضور دانش‌آموزان احترام می‌گذاشتم؛ با آنان محترمانه صحبت می‌کردم و آنان را در دوران بلوغ درک می‌کردم؛ بین دانش‌آموزان در زنگ تفریح و به‌عنوان دوست، با رعایت حرمت‌ها حضور فعال داشتم؛ در مراسم صبحگاهی شرکت می‌کردم.

هدایت دانش‌آموزان به ورزش‌های گروهی

بعضی از ویژگی‌های دوران بلوغ و دوره متوسطه اول عبارت‌اند از: دوری کردن و فاصله گرفتن از والدین و تمایل به نزدیک شدن به هم‌سن و سالان خود و اضطراب از پذیرفته‌نشدن توسط هم‌تایان و هم‌سالان خود؛ احساس تعهد و وفاداری شدید به گروه؛ برقراری روابط دوستانه بسیار قوی با هم‌جنسان خود؛ دوره رشد سریع و بلوغ (ساداتیان، ص ۵۴). به‌منظور توجه به این ویژگی‌ها، طی سه جلسه با نمایندگان ورزشی کلاس‌ها و شورای دانش‌آموزان، مصوب شد هر کلاس گروه‌هایی ورزشی در

رشته‌های فوتبال، طناب‌کشی و فوتبال‌دستی معرفی کنند، به‌طوری که هیچ دانش‌آموزی در کنار نماند و گروه‌های ورزشی از افراد قوی، متوسط و ضعیف تشکیل شده باشند تا همه گروه‌ها بتوانند با یکدیگر رقابت کنند. زمان برگزاری اجرای این تیم‌ها در زنگ تفریح با رعایت قوانین خاص تدوین‌شده توسط دانش‌آموزان بود.

بحث و نتیجه‌گیری:

روشهای کاهش و حذف رفتارهای نامطلوب به دو دسته روشهای مثبت و روشهای منفی تقسیم می‌شوند. به طور کلی رفتارهای نامطلوب را از دوره می‌توان کاهش داد: (۱) جانشین ساختن رفتارهای مطلوب به جای آن‌ها و در نتیجه کاهش دادن غیر مستقیم رفتارهای نامطلوب، (۲) کاهش دادن مستقیم رفتارهای نامطلوب. به روش‌هایی که در مورد اول به کار می‌روند روش‌های مثبت کاهش رفتار می‌گویند، زیرا همه آنها از اصل تقویت مثبت مشتق شده‌اند. روش‌هایی که در مورد دوم به کار می‌روند روشهای منفی کاهش رفتار نام دارند، زیرا در همه آنها از شیوه‌های کم و بیش آزارنده استفاده می‌شوند و، چنان که خواهیم دید، این روشها عوارض منفی ایجاد می‌کنند.

روش‌های مثبت کاهش رفتار

فرض روشهای مثبت کاهش رفتار این است که اگر دانش‌آموز یا مددجو رفتار نامطلوب تازه‌ای را بیاموزد و به انجام آن رفتار بپردازد و به خاطر آن تقویتی را که با انجام یک رفتار نامطلوب دریافت می‌کرده است به دست آورد، به تدریج این رفتار مطلوب او جانشین رفتار نامطلوبش خواهد شد. روشهای مثبت کاهش رفتار که بر اصل تقویت مثبت استوارند چهار تا هستند که در زیر معرفی می‌شوند

۱. تقویت تفکیکی نرخهای کم رفتار

بعضی رفتارها اگر با فراوانی یا نرخ کم انجام می‌شوند مطلوب‌اند، اما اگر به میزان زیاد انجام شوند نامطلوب یا حتی مضر هستند. دانش‌آموزی که با سرعت خیلی زیاد تکالیفش را انجام می‌دهد و در نتیجه آنها را غلط و ناخوانا می‌نویسد، اگر آهسته به نوشتن تکالیفش بپردازد، درست و خوانا خواهد نوشت. همچنین دانش‌آموزی که در بحث گروهی زیاد حرف می‌زند و فرصت صحبت کردن را از دیگران می‌گیرد، اگر کمتر و به نوبت حرف بزند حرف زدن او مطلوب است. روش تقویت تفکیکی نرخهای کم رفتار یا رفتارهای دارای نرخ کم (DRL) ^۱ به کاربرد برنامه خاص تقویتی با رفتارهایی گفته می‌شود که اگر با نرخ یا فراوانی کم رخ دهند مطلوب‌اند، اما علت نامطلوب بودن آنها این است که به دفعات زیاد یا با سرعت زیاد رخ می‌دهند. روش تقویت تفکیکی نرخ‌های کم رفتار به دو صورت مورد استفاده قرار می‌گیرد (۱) پاسخدهی با نرخ یا فراوانی کم و (۲) پاسخدهی با فاصله. پاسخدهی با فراوانی کم روشی است نظیر آنچه در آزمایش فوق به کار رفته است. در این روش، چنانچه رفتار به تعداد کم داده شود تقویت می‌شود. پاسخدهی با فاصله روشی است که در آن رفتار اگر با رعایت فواصل معین انجام شود مورد تقویت قرار می‌گیرد. در روش اول مجموع دفعات وقوع رفتار در یک زمان معین صورت پذیرد تقویت می‌شود؛ مثلاً اگر دانش‌آموز هر ۵ دقیقه یک بار سؤال بپرسد رفتار او تقویت می‌شود.

امتیاز مهم روش تقویت تفکیکی نرخهای کم رفتار این است که در آن کاهش رفتار با استفاده از تقویت مثبت انجام می‌گیرد و هیچ یک از عوارض نامطلوب روشهای منفی کاهش رفتار را که بعداً توضیح خواهیم داد ندارد. با این حال تأثیر این روش به آرامی ظاهر می‌شود و لذا تا کاهش رفتار ناشی از آن باید با حوصله و بردباری بود.

۲. تقویت تفکیکی رفتارهای دیگر

در روش تقویت تفکیکی رفتارهای دیگر (DRO)، همه رفتارهای فرد تقویت می‌شود، به جز رفتار آماج که نامطلوب تشخیص داده شده است. به سخن دیگر، در این روش، تقویت وابسته است به انجام ندادن یا حذف رفتار نامطلوب، نه انجام دادن آن. به همین سبب به این روش حذف آموزی یا تقویت تفکیکی حذف رفتار یا تقویت تفکیکی نرخ صفر رفتار نیز گفته می‌شود.

روش تقویت تفکیکی رفتارهای دیگر را می‌توان در موارد زیر به کار بست:

۱. تقویت فرد برای انجام ندادن رفتار آماج در طول زمان از قبل تعیین شده. مثلاً اگر دانش آموز در طول جلسه درس (۴۰ دقیقه) حرف نزنند تقویت می‌شود. به دانش آموز هر حرف می‌توان گفت، "اگر در ضمن این جلسه قرائت حرف نزنی، در بازی امروز بعد از ظهر سردسته گروهی خواهی شد" (آلبرتو و تروت من، ۱۹۹۱، ص ۲۵۵). اگر دانش آموز به این قرار عمل کند تقویت کننده به او داده خواهد شد. تقویت فرد برای انجام ندادن رفتار آماج در طول یک جلسه را DRO کامل می‌نامند.

۲. تقویت فرد برای انجام ندادن رفتار آماج در طول یک مدت معین که به فواصل کوچکتر تقسیم شده است. این شیوه زمانی به کار می‌رود که کاهش تدریجی رفتار نامطلوب علمی تر و معقول تر است. به عنوان مثال، یک جلسه درس ۴۰ دقیقه ای را می‌توان به فواصل ۵ دقیقه ای تقسیم کرد و تقویت کننده را پس از هر فاصله ۵ دقیقه ای کرد. که رفتار نامطلوب در آن رخ نمی‌دهد ارائه کرد "این تقسیم طول مدت بیشتری برای تقویت شدن فرد فراهم می‌آورد، باز خوردهای بیشتری در اختیار او می‌گذارند، و فرصت‌های بیشتری برای کسب موفقیت به او می‌دهد" (آلبرتو و تروت من، ۱۹۹۱، ص ۲۵۵).

پس از آن که فرد توانست رفتار را در فواصل کوتاه اولیه کنترل کند، می‌تواند فواصل را به تدریج افزایش داد. یعنی ابتدا فواصل ۵ دقیقه ای به فواصل ۱۰ دقیقه ای تبدیل می‌شوند، و این تغییر ادامه می‌یابد تا اینکه دانش آموز بتواند در تمام مدت ۴۰ دقیقه درس قرائت ساکت و بدون حرف زدن در کلاس بنشیند.

۳. محصولات ماندنی رفتار رفتار را نیز می‌توان با روش DRO تغییر داد. مثلاً اگر معلم بخواهد برای حذف رفتار بد خطی شاگردان از این روش استفاده کند، می‌تواند هنگام تصحیح تکالیف آنان، هر تکلیفی را که خوش خط و خوانا نوشته شده است، با نوشتن یک جمله تشویق آمیز با چسبانیدن یک ستاره به علامت ممتاز بودن بر روی آن تقویت کند. همچنین معلم می‌تواند این کار را در مورد دیکته‌های بی غلط یا مسائل ریاضی که بی غلط حل شده اند به کار گیرد.

در استفاده از روش تقویت تفکیکی رفتارهای دیگر (DRO) دو نکته اساسی زیر را باید در نظر داشت و هنگام طرح و اجرای برنامه‌های تغییر رفتار با این روش تدابیر لازم را به کار بست.

۱. از آنجا که در روش DRO تنها چیزی که از شخص خواسته می‌شود عدم انجام رفتار آماج است. او می‌تواند هر رفتار دیگری را انجام دهد و به خاطرش تقویت بشود. این امر می‌تواند شرایطی را به وجود آورد که از شرایط قبل نامطلوب تر باشند. یعنی فرد رفتارهایی را انجام می‌دهد و به خاطرشان تقویت بشود که بسیار نامطلوب تر از آماج هستند. مثلاً دانش آموزی که با روش DRO تقویت می‌شود که از صندوق خارج نشود و گرد اتاق درس نگردد، ممکن است در عوض گلوله کاغذی پرتاب کند. در چنین شرایطی لازم است روش DRO را با روش‌های دیگر کاهش رفتار همراه کرد.

۲. تغییر دهنده رفتار با روش DRO صرفاً به فرد می‌گوید چه نکند، اما به او نمی‌گوید که به جای رفتار نامطلوب چه بکند. صرف خارج کردن یک رفتار نامطلوب از خزانه رفتاری فرد کارساز نیست، زیرا خلاء حاصل باید به گونه ای پر شود و اگر مربی یا تغییر دهنده رفتار این کار را نکند، خود فرد ممکن است با رفتار نامطلوب دیگری این خلاء را پر نماید. بنابراین، تغییر دهنده

رفتار همراه با حذف رفتار نامطلوب از خزانه رفتاری شخص لازم است رفتار مطلوبی را به او معرفی کند و انجام آن رفتار را از سوی او تقویت نماید. بهترین روش برای این منظور روشی است که در قسمت بعدی این فصل معرفی می‌شود.

۳. تقویت تفکیکی رفتار ناهمساز

گفتیم که روش DRO اگر به تنهایی به کار رود خلاء رفتاری ایجاد می‌کند. بهترین روشی که برای جلوگیری از ایجاد خلاء رفتاری می‌توان به کار بست روش تقویت تفکیکی رفتار ناهمساز (DRI) است. در این روش، همزمان با تقویت نکردن رفتار نامطلوب، رفتار مطلوبی را که با آن ناهمساز یا مغایر است تقویت می‌کنیم. مثلاً اگر رفتار نامطلوب دانش‌آموزی از روی صندلی خود برخاستن باشد، رفتار مغایر با این را که در روی صندلی نشستن است تقویت می‌کنیم. تفاوت روش حاضر با روش قبلی در این است که در بخش قبلی (DRO) همه رفتارهای فرد، به جز رفتار نامطلوب مغایر است تقویت می‌شود.

علت تاکید بر تقویت رفتار ناهمساز با رفتار نامطلوب به عنوان روشی برای کاهش رفتار نامطلوب این است که فرد عملاً نمی‌تواند به رفتار متضاد یا مانع‌الجمع را همزمان انجام دهد. در نتیجه هنگامی که رفتار ناهمساز با رفتار نامطلوب را انجام می‌دهد و برای آن تقویت می‌شود همزمان هم رفتار نامطلوبش کاهش می‌یابد و هم رفتار مطلوبی از او افزایش می‌یابد. به عنوان نمونه، اگر بخواهیم با روش DRI رفتار نامطلوب گوشه‌گیری یک کودک را اصلاح کنیم، هر گونه کوشش او را در جهت فعالیت گروهی و آمیزش با سایر کودکان تقویت می‌کنیم

۴. سیری

سیری یا اشباع "به کاهش رفتار حاصل از فقدان اثر بخشی تقویت کننده‌ای که آن رفتار را حفظ می‌کند گفته می‌شود". درسیری، فقدان اثر بخشی تقویت کننده در نتیجه مصرف زیاد آن رخ می‌دهد. به عنوان مثال، شخصی که گرسنه است وقتی که به غذا می‌رسد به سرعت غذا می‌خورد. اما بر اثر خوردن به تدریج که سیر می‌شود از نیرومندی رفتار غذا خوردن تدریجی و موقتی است، و پس از مدتی غذا نخوردن بازگشت می‌نماید با این حال، روش سیری، وقتی که با روشهای دیگر به کار برده می‌شود، در بعضی موقعیتهای موفقیت آمیز است.

لازم به ذکر است که در مثال بالا روش سیری همراه با روش خاموشی به کار گرفته شده است. افزایش مطالب چاپی در اتاق آزمودنیها روش سیری و عدم توجه پرستاران به رفتار احتکاری آنان روش خاموشی است. در روش سیری پاسخ داده می‌شود و در مورد تقویت قرار می‌گیرد و به ضعف می‌گراید، اما در روش خاموشی پاسخ داده می‌شود ولی مورد تقویت قرار نمی‌گیرد و در نتیجه ضعیف می‌شود. پژوهش‌های مختلف نشان داده‌اند که کاربرد این دو روش باهم از کاربرد هریک از آن‌ها به تنهایی مؤثرتر است.

روشهای منفی کاهش رفتار

روشهای مورد بحث در این قسمت، بر خلاف روش‌های قسمت قبل، از تقویت مثبت استفاده نمی‌کنند و به طور غیر مستقیم رفتار نامطلوب را کاهش نمی‌دهند، بلکه این روش‌ها مستقیماً و از طریق اعمال شیوه‌های کم و بیش آزارنده موجب کاهش و حذف رفتار نامطلوب می‌شوند. به همین سبب ما آنها را روشهای منفی کاهش رفتار نامیده ایم.

۱. خاموشی

چنان‌که قبلاً گفته شد، خاموشی به فرایندی گفته می‌شود که در آن وقوع رفتار بدون تقویت می‌ماند و تکرار بدون تقویت می‌ماند و تکرار بدون تقویت رفتار سرانجام منجر به توقف کامل آن رفتار می‌شود. همانند تقویت، خاموشی هم به فرایند عمل (حذف تقویت) و هم به نتیجه حاصل (کاهش نیرومندی رفتار) اشاره می‌کند.

به نمونه‌ای از کاربرد روش خاموشی در کلاس درس توجه کنید. معلم از دانش‌آموزان کلاس می‌پرسد: "چه کسی می‌تواند کار قلب را در بدن انسان توضیح دهد؟" احمد از صندلی خود بلند می‌شود و با سر و صدای زیاد می‌گوید: "من بلدم، من بلدم". معلم به او توجه نمی‌کند، اما در عوض از جمشید که آرام در صندلی خود نشسته و تنها دستش را بلند کرده است تا اجازه بگیرد سؤال را جواب دهد می‌خواهد توضیح بدهد. معلم از این طریق رفتار نامطلوب شلوغ کاری احمد را با بی‌توجهی (تقویت نکردن) خاموش می‌کند و در عوض رفتار مطلوب جمشید را با تقویت کردن نیرومندتر می‌سازد.

معلمانی می‌توانند از روش خاموشی برای کاهش دادن رفتارهای نامطلوب دانش‌آموزان در کلاس درس حداکثر استفاده را ببرند. متأسفانه معلمان غالباً با توجه کردن به دانش‌آموزانی که اعمال خلاف مرتکب می‌شوند این گونه رفتارها را افزایش می‌دهند. حتی زمانی که معلم از دانش‌آموز انتقاد می‌کند، او را سرزنش می‌نماید، یا به تصحیح اشتباهاتش می‌پردازد این رفتارهای معلم ممکن است منجر به تقویت رفتار نامطلوب دانش‌آموز بشود. در عوض، معلم باید به رفتارهای نامطلوب دانش‌آموز هیچ گونه توجهی نکند تا این رفتارها خاموش شوند.

در استفاده از روشهای خاموشی، بهتر است همزمان با خاموش کردن یک رفتار نامطلوب رفتارهای مطلوب را تقویت کنیم. به مثالی از کاربرد همزمان خاموشی و تقویت مثبت توجه کنید.

در یک جلسه مشاوره، راجر درباره ناراحتی‌های خود به مشاور شکایت می‌کند. می‌گوید پاهایش ناراحت هستند، سرش درد می‌کند، و شب پیش درست زمانی که می‌خواست میز را تمیز کند دچار سرگیجه شد. مشاور که در نتیجه مذاکره با پزشک راجر مطمئن شده است که او هیچ گونه ناراحتی عضوی ندارد، نگاهی را از راجر به سوی دیگر می‌دوزد و توجهی به شکایتهای او نمی‌کند. اما وقتی که راجر می‌گوید در امتحان دیکته نمره الف گرفته است مشاور با علاقه زیاد او را مورد توجه و تشویق قرار می‌دهد. (سولز و مایر، ۱۹۷۲، ص ۱۳۹)

در مثال بالا، رفتار شکایت آمیز دانش‌آموز با خاموشی مواجه شده است، ولی رفتار مطلوب صحبت کردن درباره نمره خوبی که از درس دیکته گرفته است تقویت شده است. بنابراین، برای افزایش اثر بخشی روش خاموشی، بهتر است آن را با روش تقویت مثبت همراه سازیم.

بازگشت خود به خودی. در فصل هفتم دیدیم که یکی از پدیده‌های وابسته به خاموشی بازگشت خود به خودی رفتار است. یعنی اینکه رفتاری که بر اثر تقویت نشدن خاموش شده ممکن است برای مدتی موقتی بدون اینکه تقویتی دریافت کرده باشد مجدداً ظاهر می‌شود. برای مقابله با بازگشت خود به خودی رفتار پس از خاموشی، باید به جریان خاموشی ادامه دهیم. خواهیم دید که رفتار مجدداً خاموش شده و دیگر بازگشت نخواهد کرد. هر چند که این بازگشت رفتار دوام‌چندانی ندارد و با ادامه برنامه خاموشی به سرعت از میان می‌رود، با این حال اطلاع از آن تغییرکنندگان رفتار را در کاربرد درست روش خاموشی یاری می‌دهد.

یکی از دانش‌آموزان جدید، هنگام ورود به مدرسه، فحشهای رکیک و عبارات زننده‌ای آموخته بود که آنها را در مدرسه به زبان می‌آورد. متخصص رفتاری که این مشکل به او ارجاع شده بود مشاهده کرد که رفتارهای کودک در محیط آموزشگاه به

وسایل مختلف تقویت می‌شده است: معلم به او اخم می‌کرد و مورد سرزنش قرار می‌داد و بدین وسیله به او توجه زیادی می‌نمود؛ همکلاسیها به او می‌خندیدند و مدیر مدرسه هم مرتباً او را نصیحت می‌کرد. شاید به دلیل آن که این دانش‌آموز در خارج از مدرسه مورد توجه دیگران قرار نداشت فحش دادنهای او که جلب توجه همکلاسیها و اولیای مدرسه منجر می‌شد رفتار نامطلوب او را تقویت می‌کرد. از این رو، تصمیم گرفته شد که رفتارهای نامطلوب کودک تحت برنامه خاموشی قرار داده شوند. وقتی که او فحش می‌داد معلم رویش را از او برمی‌گرداند. دانش‌آموزان دیگر وقتی که به فحشهای او نمی‌خندیدند تقویت می‌شدند. مدیر مدرسه هم دیگر کاری به کار او نداشت. به تدریج از رفتار فحش‌آمیز کودک کاسته شد و سرانجام رفتار نامطلوب او به کلی خاموش گردید. اما چند روز بعد، بدون این که رفتار کودک تقویت شده باشد، باز به فحش دادن متوسل شد. این یک لحظه حساس بود. احتمال داشت معلم تصور کند که تمامی برنامه خاموشی با شکست مواجه شده و دوباره به سرزنش کودک بپردازد. سایر منابع تقویتی نیز ممکن بود از نو به کار افتند و فحش‌ها با شدت بیشتری از سر گرفته شوند. اما معلم برای بازگشت جزئی رفتار خاموش شده آماده بود و به برنامه خاموشی ادامه داد تا اینکه سرانجام دانش‌آموز از فحش دادن و گفتن حرف‌های زشت برای همیشه دست کشید.

۲. محروم کردن از تقویت مثبت

در روش محروم کردن از تقویت مثبت فرد را، به خاطر انجام رفتاری نامطلوب، برای مدتی معین از فرصت دریافت تقویت محروم می‌کنند. این محروم کردن به دو صورت انجام می‌شود: (۱) یا فرد را از محیطی که در آن تقویت دریافت می‌کند بیرون می‌برند، با (۲) منبع تقویتی را از دسترسش دور می‌سازند. مثالی که از مورد اول تصمیم معلم ورزش در بیرون کردن یکی از بازیکنان از زمین بازی به سبب انجام رفتار خلاف مقررات بازی است. آزمایش زیر از بائر (۱۹۶۲) مثالی از مورد دوم روش محروم کردن است.

رفتار نامطلوبی که توسط بائر با روش محروم کردن محو گردید، عادت انگشت مکیدن یک کودک پیش دبستانی بود. روش محروم کردن این گونه به اجرا در آمد که برای کودک یک فیلم کارتونی به نمایش گذاشته شد. در ضمن تماشای فیلم، هر وقت کودک شروع به انگشت مکیدن می‌کرد نمایش فیلم متوقف می‌شد، و وقتی که او انگشتش را از دهانش بیرون می‌آورد نمایش ادامه می‌یافت. نتیجه این بود که کودک به سرعت عادت انگشت مکیدن را ترک کرد.

معلمانی که دانش‌آموزان بی‌انضباط یا تنبل را از کلاس اخراج می‌کنند از روش محروم کردن از تقویت استفاده می‌نمایند. لازم به تأکید است که این روش در صورتی می‌تواند در کاهش رفتار نامطلوب موثر واقع می‌شود که فرد را از محلی که در آن تقویت می‌شود (دوست دارد در آنجا بماند) به محل دیگری در آن تقویت دریافت نخواهد کرد (دوست ندارد به آن جا برود) بفرستیم. در غیر این صورت، انتقال دادن فرد از محیطی به محیط دیگر ممکن است نتیجه عکس دهد و باعث تقویت رفتار نامطلوب گردد. مثلاً دانش‌آموزانی که محیط خارج از کلاس در س را به بودن در کلاس ترجیح می‌دهند، ممکن است عمداً دست به کاری بزنند که معلم آنها را از کلاس اخراج نماید. توصیف موردی از این رویداد توسط آلبرت و تروت من (۱۹۹۱) توجه کنید:

خانم استاتون از روش محروم کردن استفاده می‌کند.

خانم استاتون معلم کلاس دوم دبستان، درباره روش محروم کردن چیزهایی شنیده بود. تصمیم گرفت از این روش استفاده کند تا رفتار نامطلوب آرون را اصلاح نماید. آرون گاه و بی‌گاه دانش‌آموزان دیگر کلاس را به بهانه‌های مختلف می‌زد.

خانم استاتون از صبح همان روز هر وقت آرون دانش آموزی را می زد به وی می گفت، "آرون، تو باز هم دیگران را کتک می زدی. باید از کلاس بیرون بروی"، وبعد او را به راهروی مدرسه می فرستاد که بر روی یک صندلی که در آنجا قرار داده بود بنشیند. پس از گذشت حدود یک ساعت به سراغ دانش آموز می رفت و او را به کلاس باز می گرداند. آرون، در وقت بازگشت، حتی پیش از آن که سرجایش بنشیند، یکی دیگر از بچه ها را کتک می زد و باز هم معلم او را از کلاس اخراج می کرد. این جریان در تمام صبح آن روز ادامه یافت.

نتیجه اینکه آرون بیشتر از اوقاتش را در بیرون از کلاس می گذرانید و بقیه وقتش را به کتک زدن شاگردان دیگر مشغول بود. خانم استاتون به این نتیجه رسید که روش محروم کردن روش غیر مؤثری است. ساعتهای آخر آن روز خانم معلم از آرون شنید که به دانش آموز دیگری می گفت، "پسر چه حقه قشنگی زدم. اگر تو یا هر کس دیگری را در کلاس کتک می زدم از کلاس بیرون می رفتم و راحت می رفتم روی صندلی توی راهرو لم می دادم و از شر کارهایی که باید در کلاس انجام دهم خلاص می شدم. اما در راهرو برای خودم استراحت می کردم و با آدمها حرف می زدم. حتی مدیر از من پرسید چه کار کرده ام و بهش گفتم چه کار کرده ام". (صص ۲۷۶-۲۷۵)

۳. جریمه کردن

روش جریمه کردن به حذف مقداری از تقویت کننده های یک فرد در ازای رفتار نامطلوبی که انجام داده است گفته می شود. جریمه کردن رانندگان مختلف از طریق دریافت پول آنها، کسر مقداری از حقوق کارمندان به علت غیبت از کار، و کسر کردن نمرات دانش آموزان به سبب کارهای غلطی که انجام داده اند نمونه هایی از کاربرد روش جریمه کردن است.

شرط استفاده از روش جریمه کردن آن است که فرد قبلاً مدتی تقویت شده باشد تا بعد بتوان مقداری از تقویت کننده های دریافتی او را پس از انجام رفتار نامطلوب از او پس گرفت. یعنی سطحی از تقویت مثبت باید موجود باشد تا فرصتی برای حذف آن تقویت فراهم آورد. مثلاً کارمند باید مقداری حقوق دریافت کرده باشد یا دانش آموز نمره ای گرفته باشد تا بعد بخاطر غیبت یا بی انضباطی مقداری حقوق یا نمره از آن کسر شود.

نکته دیگری را که هنگام استفاده از روش جریمه کردن باید در نظر گرفت این است که جریمه نباید خیلی سنگین باشد، بلکه مقدار جریمه باید آن اندازه باشد که شخص با کوشش بیشتر بتواند آن را جبران کند. مثلاً نمره ای که از دانش آموز کسر می شود باید آن قدر باشد که او بتواند با کوشش بیشتر جبرانش نماید یا کسر حقوق کارمند باید به نسبتی باشد که بتواند با باقی مانده آن زندگی اش را اداره کند.

چنان که دیدیم، دو روش محروم کردن و جریمه کردن بسیار به هم شبیه هستند. اما به رغم شباهت ها، تفاوت هایی نیز با هم دارند. مهم ترین تفاوت بین آن ها این است که در روش محروم کردن فرد مدتی از دریافت تقویت محروم می ماند، در حالی که در روش جریمه کردن مقداری از تقویت کننده هایی که قبلاً دریافت کرده است از او پس گرفته می شود.

۴. جبران کردن

در روش جبران کردن یا روش جبرانی وقتی که فرد مرتکب رفتاری نامطلوب یا عمل خلافی می شود، او را و می دارند تا برای جبران عمل خلاف خود آن را اصلاح کند. هدف روش جبرانی این است که به دانش آموزان آموزش داده شود تا برای رفتار نامناسب خود قبول مسئولیت نمایند و رفتار مناسب را یاد بگیرند. مثلاً معلم دانش آموزی را که خرده کاغذ در کف اتاق ریخته است و می دارد تا خرده ی کاغذ هارا جمع کند و در سطل زباله بریزد.

در روش جبران کردن می‌توان از شخص خاطی خواست تا، علاوه بر جبران عمل خلاف خود، به انجام اعمال اصلاحی اضافی نیز بپردازد در این صورت، روش مورد استفاده جبران اضافی نامیده می‌شود. مثلاً معلم از دانش‌آموزی که به یکی از هم‌کلاسیهایش توهین کرده است می‌خواهد تا هم از دانش‌آموز مورد نظر و هم از کلیه افراد کلاس عذرخواهی کند. باید دقت کرد که در استفاده از روش‌های جبرانی، خود عمل جبرانی کردن برای فرد تقویت‌کننده نباشد. به سخن دیگر، باید از این روش به گونه‌ای استفاده شود که تا اندازه‌ای جنبه‌آزارنده داشته باشد. برای این منظور، هنگام استفاده از این روش نکات زیر را در نظر بگیرید:

۱. به آزمودنی یا دانش‌آموز بگویید که رفتار او نامطلوب بوده است.
 ۲. او را از انجام کاری که مشغول آن است بازدارید.
 ۳. با توضیحات شفاهی کار جبرانی او را برایش مشخص کنید.
 ۴. او را به انجام کار جبرانی مجبور نمایید. در صورت لزوم با فشار دست او را به انجام این کار وادارید، اما به محض آنکه شروع به انجام کار کرد از فشار دست بکاهید.
 ۵. پس از انجام عمل جبرانی فرد را به کاری که مشغول انجام دادنش بوده است بازگردانید.
- روش معمول معلمان با نام جریمه کردن که در آن مثلاً از دانش‌آموزان خواسته می‌شود تا کلمه‌ای را که املای آن را غلط نوشته‌اند یا از روی شعری که خوب آن را حفظ نکرده‌اند چند بار بنویسند در واقع همان روش جبرانی است. این روش معلمان نیز در اصل برای رفع نواقص کار دانش‌آموزان ابداع شده که اکنون غالباً به صورت یک روش تنبیهی از آن استفاده می‌شود، که البته درست نیست.
۵. تنبیه

در فصل هفتم گفتیم که تنبیه ارائه یک محرک آزارنده یا یک تقویت‌کننده منفی به دنبال یک رفتار نامطلوب است که نتیجه‌اش ضعیف شدن‌ای کاهش احتمال بروز آن رفتار است. محرک آزارنده مورد استفاده در تنبیه را محرک تنبیه‌کننده نیز می‌نامند. محرک آزارنده، محرک تنبیه‌کننده، یا تقویت‌کننده منفی که در تنبیه رفتار به کار می‌رود همان محرکی است که اگر رفتاری از ارگانیسم سبب دور شدن یا جلوگیری از وقوع آن بشود.

(در تقویت منفی) نتیجه‌اش افزایش فراوانی آن رفتار است.

تنبیه در واقع احتمال بروز رفتار تنبیه‌شده را در شرایط همسان آتی کاهش می‌دهد زیرا پاسخی که تنبیه می‌شود قبلاً انجام شده است و تنبیه بر آن تأثیری ندارد.

در تعریف تنبیه گفته‌اند، "تنبیه کاهش دادن احتمالات بروز آتی یک پاسخ است که در نتیجه ارائه محرکی پس از آن پاسخ حاصل می‌شود؛ محرک ارائه شده محرک تنبیه‌کننده و کل فرایند تنبیه نام دارد." "برای مثال، پدری که کودک خود را بخاطر حرف زشت که به زبان آورده است کتک می‌زند، می‌خواهد از وقوع این نوع رفتار نامطلوب کودک در آینده جلوگیری به عمل آورد، در این مثال، کتک محرک یا رویداد آزارنده و کتک زدن پدر پس از حرف زشت کودک تنبیه است."

محرک‌های تنبیه‌کننده نخستین و شرطی

در فصل دوازدهم گفتیم که تقویت‌کننده‌های منفی یا محرک‌های تنبیه‌کننده نیز، مانند تقویت‌کننده‌های مثبت، از دو دسته مهم نخستین و شرطی تشکیل می‌یابند. محرک‌های تنبیه‌کننده نخستین محرک‌هایی هستند که ذاتاً خاصیت تنبیهی یا آزارنده دارند، مانند ضربات چوپ و شلاق، صدای شدید، حرارت زیاد، و نظایر این‌ها. محرک‌های تنبیه‌کننده شرطی محرک‌ها

یا رویدادهایی هستند که در اثر مجاورت با محرک تنبیه‌کننده نخستین خاصیت تنبیه‌کنندگی پیدا کرده‌اند، مانند داد زدن، توهین کردن، اخم کردن، و نظایر اینها.

عوارض نامطلوب ناشی از تنبیه و سایر روش‌های تنبیهی

- علت کاربرد گسترده تنبیه به توسط افراد مختلف اثر بخشی آن نیست بلکه علت آن است که ما همه عادت کرده ایم همدیگر را تنبیه کنیم.

شاید به سبب اینکه بسیاری از آدمها در خانه و مدرسه به وسیله کتک خوردن و فریاد شنیدن تربیت شده‌اند آموخته‌اند که در برخورد با دیگران به داد و فریاد یا کتک زدن متوسل بشوند به ویژه زمانی که رقیبشان از لحاظ جسمی از خودشان ضعیفتر است."

- دلیل دیگر اینکه چرا خیلی از افراد به جای روشهای مثبت، از روش تنبیه استفاده می‌کنند این است که تنبیه سریعاً رفتار تنبیه شده را متوقف می‌سازد و این پیامد سبب تقویت شخص تنبیه‌کننده می‌شود، در حالی که روش‌های مثبت، پس از گذشت یک مدت زمان، و آن هم تدریجاً رفتار را کاهش می‌دهد، و این کار نیاز به صبر و شکیبایی دارد که معمولاً از کسانی که تنبیه را ترجیح می‌دهند ساخته نیست.

هر چند که تنبیه به طور سریع رفتار تنبیه شده را متوقف می‌کند، این توقف به معنی یادگیری زدایی رفتار نیست. در واقع تنبیه، به خلاف تصور کسانی که از آن استفاده می‌کنند، عکس تقویت عمل نمی‌کند. تقویت رفتار تقویت شده را نیرومند می‌سازد سبب ایجاد رفتار تازه می‌شود و خزانه رفتار فرد را غنی می‌کند، اما رفتار تنبیه شده، پس از آن که تنبیه به پایان رسید، همچنان در خزانه رفتاری فرد باقی می‌ماند و تا زمانی که عامل تنبیه‌کننده حاضر و ناظر است پنهان می‌ماند، ولی به محض این که عامل تنبیه‌کننده ضعیف شد یا از میان رفت آن رفتار مجدداً ظاهر می‌گردد.

بنابراین به خلاف تقویت مثبت که میل به انجام رفتار تقویت شده را در شخص افزایش می‌دهد، تنبیه میل به انجام رفتار تنبیه شده را در شخص از بین نمی‌برد.

عوارض استفاده از تنبیه

- از جمله مشکلات دیگر استفاده از تنبیه عوارض جانبی آن است که از لحاظ پرورشی بسیار نامطلوب‌اند. یکی از این عوارض این است که احساس ناخوشایند حاصل از تنبیه در لحظه تنبیه شدن، از طریق قانون شرطی شدن کلاسیک، با شرایط تنبیهی و شخص یا اشخاص تنبیه‌کننده تداعی می‌شوند و سبب انزجار و نفرت تنبیه‌شونده از شخص تنبیه‌کننده و شرایط و موقعیتی که در آن تنبیه صورت گرفته است می‌شوند. یعنی حتی اگر تنبیه شومده بداند که تنبیه به خیر و صلاح اوست و تنبیه‌کننده از روی دلسوزی او را تنبیه می‌کند، باز هم احساس نامطلوب حاصل از تنبیه شدن به صورت پاسخ شرطی در می‌آید و شخص تنبیه‌شونده نسبت به تنبیه‌کننده احساس انزجار خواهد کرد.

- مشکل دیگر استفاده از روش تنبیه این است که تنبیه کردن عملی است که به سرعت توسط دیگران، به ویژه کودکان و نوجوانان، آموخته می‌شود. بنابراین، معلمی که به تنبیه دانش‌آموزان می‌پردازد، به آن‌ها آموزش پرخاشگری می‌دهد، و معلمی که به تنبیه کودکان خود می‌پردازد تنبیه کردن را به آن‌ها می‌آموزد بارها دیده شده است کودکانی که مرتباً از پدر و مادر خود کتک می‌خورند، در غیاب آن‌ها فرزندان کوچک‌تر خانواده را کتک می‌زنند.

پرخاشگری پی‌آمد دیگر تنبیه است. آزمایش با حیوانات نشان داده است وقتی که به دو حیوان که بایکدیگر در صلح و صفا زندگی می‌کنند شوک برقی وارد شود، به جان هم می‌افتند و نسبت به یکدیگر رفتار خصمانه از خودشان می‌دهند. همچنین در انسانها نیز شرایط تنبیهی سبب بدبینی افراد نسبت به یکدیگر می‌شود و رفتار خصمانه جانشین رفتار دوستانه می‌گردد.

یکی دیگر از پی‌آمدهای نامطلوب تنبیه این است که فرد تنبیه شده، برای احتراض از تنبیه، ممکن است به رفتاری که تنبیه به دنبال دارد نپردازد، اما رفتارهای دیگر را جانشین آن کند. بعضی از این رفتارهای جانشین مخرب، ناسازگارانه، و روان‌رنجورانه هستند. مکانیسمهای دفاعی روانی که فروید توضیح داده است راههایی هستند که در آن‌ها آرزوهای سرکوب شده سانسور را کنار می‌زند و راه بروز می‌یابند. طبق نظر اسکینر (۱۹۷۲)، این مکانیسمها در واقع راههایی هستند که مردم برای احتراض از تنبیه به آن‌ها متوسل می‌شوند. شخص ممکن است، به عوض انجام رفتاری که تنبیه به دنبال می‌آورد به طریقی دیگر به آن رفتار بپردازد که تنبیه به دنبال نداشته باشد، مانند خیال‌پردازی یا رؤیای روز. شخص می‌تواند با توسل به رفتاری که تأثیرات تقویتی مشابهی با رفتار مقابل تنبیه دارد اما تنبیه نمی‌شود، رفتار خود را تصعید و والایش نماید. همچنین شخص ممکن است با متوجه ساختن قابل تنبیه به چیزهایی که نمی‌توانند تنبیه کننده باشند آن رفتار را جا به جا سازد؛ مثلاً ممکن است نسبت به اشیای فیزیکی، کودکان، یا جانوران کوچک پرخاشگری کند. شخص ممکن است کسان دیگری را که رفتار قابل تنبیه انجام می‌دهند ولی تنبیه نمی‌شوند مشاهده کند یا درباره آن‌ها به مطالعه بپردازد و به این طریق خود را با آن‌ها همانند سازد. همچنین شخص ممکن است رفتار دیگران را قابل تنبیه بداند و از این راه تمایلات خود را فرا فکنی کند. علاوه بر این‌ها، شخصی که به خاطر انجام رفتاری تنبیه شده ممکن است با آوردن دلیل، برای خود یا دیگران، به منظور غیر قابل تنبیه جلوه دادن رفتار خود دلیل تراشی کند، مثل زمانی که می‌گوید کودک را به خاطر صلاح او تنبیه می‌کند.

- بازم از عوارض جانبی نامطلوب تنبیه و سایر روش‌های تنبیهی این است که اگر این روش‌ها ادامه یابند شخص تنبیه شده ممکن است سرانجام به تنبیه کننده حمله ور شود. مثلاً نوجوانی که از کودکی از پدرش کتک می‌خورده است ممکن است بالاخره روزی در برابر او بایستد، یا دانش‌آموزانی که تحت روش‌های مداوم تنبیهی آموزشگاه قرار می‌گیرند ممکن است به تخریب اموال آموزشگاه یا ایجاد مزاحمت برای معلمان، ناظم، و سایر مسئولان مدرسه اقدام کنند.

پیشنهادهای تحقیقی:

با نگاهی به مدارس و توجه بیشتر به روش‌های عمل‌آنها خواهید دید که با وجود تفاوت‌های بسیار اندک در ساختار و شکل مدارس و نیز یکسان بودن مواد و کتب درسی، تفاوت‌های زیادی بین مدارس و سطح درسی و نتایج دانش‌آموزان آنها مشاهده می‌شود. پس با اندکی تأمل می‌توان فهمید که عاملی دیگر وجود دارد که موجب می‌شود سطح درسی، حال و هوای مدرسه و روابط بین فردی در این مراکز آموزشی متفاوت شود.

در سالهای اخیر تحقیقاتی انجام شده است که تأثیر برخی ابعاد غیر درسی را بر رشد جنبه‌های آموزشی و شخصیتی دانش‌آموزان اثبات کرده است. اموری همچون رابطه بین فردی دانش‌آموزان، رابطه میان آنها و معلمان و مدیران، وضعیت اقتصادی-اجتماعی و بسیاری مسائل دیگر در تحصیل و موفقیت دانش‌آموزان بسیار مؤثرند. بدون تردید مدیران و معلمان بیش از هر عامل دیگر در به وجود آوردن جو مناسب در مدرسه و کلاس مؤثرند و رشد همه جانبه شخصیت دانش‌آموزان وابسته به جو سازمانی مدرسه است.

رهبری و هدایت کلاس:

معلم برای اداره مطلوب کلاس به دو مهارت مهم احتیاج دارد، یکی برقراری ارتباط مؤثر و مثبت با دانش‌آموزان و دیگری، مدیریت کلاس. برای کمک به معلمان در ایجاد جوی آرام و مطلوب در کلاس، چهار راهبرد پیشنهاد می‌شود:

الف) پیشگیری از رفتارهای نامطلوب دانش‌آموزان در کلاس.

زیرا پیشگیری بهتر و آسان‌تر از درمان است. برای این کار معلم باید مسائلی را که موجب قطع توجه و ارتباط آموزشی در کلاس می‌شود شناخته و آنها را خنثی نماید. کاوینگتون (۱۹۹۹) در رابطه با این کار، نکات زیر را توصیه می‌کند:

- ۱- در بعضی مواقع با عوامل بی‌نظمی کلاس باید به طور انفرادی ارتباط برقرار کرده و از دلایل آنمطلع شوید.
- ۲- رفتارها و فعالیت‌های برهم‌زننده نظم را مشخص و آن را به صورت قوانین در کلاس مطرح کنید. مثلاً: کثیف کردن دیوارها قدغن است.

۳- منتظر برخی رفتارهای غیر قابل پیش‌بینی باشید و میزان توانایی برخورد خود را با آنها بسنجید.

۴- دانش‌آموزان باید رفتارهای مطلوب معلم را باید بدانند. مثلاً: دوست دارم برای صحبت، اول دست خود را بلند کنید.

۵- به رفتارهای نامطلوب، واکنش جدی نشان دهید. زیرا بی‌توجهی به این امر موجب نا کارآمد جلوه کردن شما در نظر آنها می‌شود.

۶- در شروع کار، قوانین و ضوابط کلاس را مشخص و مطرح کنید و سعی کنید آنها، روشن و قابل اجرا باشند.

۷- قوانین باید قابل درک باشند، برای کلاسهای ابتدایی قوانین ساده و کلی تر و برای کلاسهای بالاتر قوانین پیچیده تر.

- ۱- در بعضی مواقع با عوامل بی‌نظمی کلاس باید به طور انفرادی ارتباط برقرار کرده و از دلایل آنمطلع شوید.
- ۲- رفتارها و فعالیت‌های برهم‌زننده نظم را مشخص و آن را به صورت قوانین در کلاس مطرح کنید. مثلاً: کثیف کردن دیوارها قدغن است.

۳- منتظر برخی رفتارهای غیر قابل پیش‌بینی باشید و میزان توانایی برخورد خود را با آنها بسنجید.

۴- دانش‌آموزان باید رفتارهای مطلوب معلم را باید بدانند. مثلاً: دوست دارم برای صحبت، اول دست خود را بلند کنید.

۵- به رفتارهای نامطلوب، واکنش جدی نشان دهید. زیرا بی‌توجهی به این امر موجب نا کارآمد جلوه کردن شما در نظر آنها می‌شود.

۶- در شروع کار، قوانین و ضوابط کلاس را مشخص و مطرح کنید و سعی کنید آنها، روشن و قابل اجرا باشند.

۷- قوانین باید قابل درک باشند، برای کلاسهای ابتدایی قوانین ساده و کلی تر و برای کلاسهای بالاتر قوانین پیچیده تر.

۸- کلاس درس را در آغاز با جدیت شروع کنید و متعاقب آن آزادی بیشتری به دانش‌آموزان بدهید، زیرا کنترل آنها پس از دادن آزادی‌های بسیار در آغاز، مشکل است.

۹- یادگیری را با اهمیت و معنی دار کنید تا دانش‌آموزان علاقمند شده و خسته نشوند.

علل رفتارهای نامطلوب دانش‌آموزان در کلاس امور مختلفی همچون: خستگی از درس و بحث معلم، استقلال طلبی در مقابل معلم، جلب توجه و یا سردرگم بودن نسبت به انتظارات و قوانین کلاس، می‌تواند باشد. کانین (۱۹۷۰) با مقایسه رفتار معلمان در این زمینه، دریافت که آنچه مهم است اقدامات پیشگیرانه است. او سه ویژگی برای اقدامات پیشگیرانه مطلوب در نظر گرفت:

(۱) نظارت: معلم به طور فعال بیش از یک دانش‌آموز را مورد توجه قرار دهد و برای همه فعالیتی مشخص کند.

- ۲) پاسخ مقتضی و مناسب به رفتار های نامطلوب دانش‌آموزان در کلاس: این کار برای پیشگیری از رفتار های بعدی صورت می‌گیرد و راهبرد های زیر به ترتیب می‌تواند در این امر مؤثر باشد:
- ۱- معلم در حین تدریس، نگاهی خیره و کوتاه مدت به دانش‌آموز خاطی داشته باشد.
 - ۲- از شیوه بیان غیر مستقیم استفاده کند.
 - ۳- به شکل تصنعی از شخص خاطی سوال کند. (چرا به جای شرکت در کلاس به کار دیگری مشغولید؟)
 - ۴- از شیوه بیان مستقیم استفاده کند.
 - ۵- الگو سازی رفتار مطلوب با اشاره به دانش‌آموزان دیگر.
 - ۶- شیوه اصلاح رفتار، یعنی پاداش به رفتار های مطلوب و نادیده گرفتن رفتار های نامطلوب.
 - ۷- منزوی کردن یا اخراج کردن دانش‌آموز خاطی.
- ۳) ارائه پاسخهای راهبردی به رفتار های نامطلوب دانش‌آموزان: با استفاده از نگرش انسان‌گرایانه، مذاکره منطقی با دانش‌آموزان، و استفاده از تحلیل کاربردی رفتار (بحث تقویت و پاداش).

تنبیه و پیامدهای آن

تنبیه کاری است نامطلوب و مریبان تربیتی هرگز این شیوه را برای جلوگیری از رفتار نامطلوب و تنظیم مدیریت کلاس توصیه نمی‌کنند. اگرچه تجربه عمومی نشانگر آثار کوتاه مدت آن است اما متخصصان امر نگران آثار جانبی آن هستند. زیرا: تنبیه ممکن است بیش از حد تعمیم یابد و رفتار های دیگر دانش‌آموز را نیز تحت تأثیر قرار دهد؛ در صورت تکرار، اثر خود را از دست بدهد؛ و ایجاد احساس «درماندگی» و ناتوانی در دانش‌آموزان نماید. امر (۱۹۸۷) رهنمود های زیر را برای تنبیه دانش‌آموزان ارائه کرده است:

- ۱- به دلایلی که ذکر شد تا حد امکان از تنبیه کم استفاده کنید.
- ۲- دلیل خود را برای تنبیه دانش‌آموزان بیان کنید، تا بدانند رفتارشان بد بوده نه خودشان.
- ۳- دانش‌آموزان باید بدانند چه می‌توانند بکنند تا تنبیه نشوند.
- ۴- رفتار های مناسب را در کلاس تقویت کنید.
- ۵- هرگز از تنبیه بدنی استفاده نکنید.
- ۶- رفتار نامطلوب را در ابتدای بروز آن مورد تنبیه قرار دهید نه در انتها. زیرا رفتار در حال شکل‌گیری بیشتر از رفتاری که انجام شده و لذت آن برده شده قابل اصلاح است.

ب) برقراری ارتباط مؤثر و مثبت با دانش‌آموزان.

توجه به موارد ذیل در برقراری ارتباط مناسب و مؤثر در کلاس مفید است:

- ۱- معلم باید مؤدبانه صحبت کند و از کلمات آمرانه بپرهیزد.
- ۲- معلم باید در مواقع لزوم از دانش‌آموزان خواهش و تقاضا کند.
- ۳- به دانش‌آموزان بیاموزید که احساسات خود را بدون افراط و تفریط نشان دهند و اینکه استفاده از احساسات برای تأثیر گذاری بر دیگران کار درستی نیست.
- ۴- گاهی اوقات سوال های غیر جدی مطرح کنید تا ساختار شخصیتی شما جدی و غیر قابل انعطاف به نظر نیاید.

تأثیر انتظارات معلم

تأثیر انتظارات معلم بر رفتار دانش‌آموزان طرحی است که پس از تحقیقات مشهور روزنتال و یاکوبسن (۱۹۶۸) ارائه شد و «پیشگویی خودکامبخش» یا «اثر پیگمالیون» نامیده شد. در این تحقیق به طور ساختگی طی یک آزمون دانش‌آموزان به ظاهر با استعداد به صورت تصادفی مشخص شدند و به معلمان معرفی شدند. اگرچه این دانش‌آموزان حقیقتاً دارای چنین استعدادی نبودند اما در پایان سال، در مقایسه به دیگران از پیشرفت بالاتری برخوردار بودند. اگرچه این تحقیق مورد انتقادات گسترده‌ای قرار گرفت و دارای ضعف‌هایی بود اما مطالعات بعدی هم به این نتیجه کلی رسید که انتظارات معلم، غالباً عملکرد و رفتار دانش‌آموزان را در کلاس درس تحت تأثیر قرار می‌دهد. دلیل آن هم این است که اینچنین دانش‌آموزانی، وقت بیشتری برای مشارکت در کلاس به دست می‌آورند و معلم نیز آنها را در رسیدن به جوابها کمک می‌کند. از سوی دیگر انتظارات نابجا و نامناسب معلم نیز میتواند باعث بروز مشکلاتی در دانش‌آموزان شود.

انتظارات مثبت معلم نتایج ذیل را به دنبال دارد:

- ۱- در کلاس، جوی گرم و پذیرا ایجاد می‌شود.
 - ۲- بازخوردی مناسب به دانش‌آموزان ارائه می‌شود.
 - ۳- دانش‌آموزان برای شرکت در فعالیت‌های کلاسی ترغیب می‌شوند.
 - ۴- زمان و فرصت بیشتری برای یادگیری فراهم می‌شود.
- تأثیر گذاری انتظارات معلم، دلایل متعددی می‌تواند داشته باشد. از جمله اینکه معلم توجه بیشتری می‌کند، و دانش‌آموز بدین وسیله تقویت‌های بیشتری دریافت می‌کند. به نظر روزنتال، موارد ذیل می‌تواند منجر به تأثیر انتظار مثبت یا بالا در دانش‌آموزان گردد:

- ۱- روابط متقابل: رفتار دوستانه و گرم معلم با دانش‌آموزان.
 - ۲- بازخورد: دانش‌آموزان اطلاعات روشنتری درباره عملکردشان از معلمان دریافت می‌کنند.
 - ۳- درونداد: معلمان اطلاعات بیشتر و طرح‌های سنگین‌تری نسبت به بقیه به این دانش‌آموزان می‌دهند.
 - ۴- برونداد: معلمان فرصت‌های بیشتری برای پاسخگویی (برونداد) این دانش‌آموزان می‌دهند.
- نتایج زیر را می‌توان از تحقیقات اثر انتظار مثبت دریافت نمود:
- ۱- معلم باید عدالت و انصاف را در همه جنبه‌ها خصوصاً روابط با دانش‌آموزان و توجه به آنها رعایت کند.
 - ۲- معلم باید آگاهانه با اموری که موجب پیشداوری می‌شود (مثل وضعیت ظاهری، اقتصادی، اجتماعی) مقابله کند.
 - ۳- کسب اطلاع معلم از سوابق تحصیلی دانش‌آموز صرفاً برای کمک به آنها نه تحقیر و تمسخر.
 - ۴- معلم ضمن بررسی عملکرد گذشته باید انتظار خود را از پیشرفت‌های آتی اعلام کند.
 - ۵- موارد ضعف دانش‌آموزان را حتی المقدور حاصل عدم تلاش آنها دانست نه کم‌توانی ذهنی.

ج) استفاده از روش یادگیری مشارکتی در کلاس.

شیوه مشارکتی در امر آموزش در مقابل روش سنتی و انفرادی قرار دارد و باید گفت که این شیوه ارتباط مطلوبی بین دانش‌آموزان پدید می‌آورد و آنها را برای یادگیری بهتر بر می‌انگیزاند و عزت نفس آنها را ارتقا می‌دهد. شیوه‌های یادگیری

مشارکتی همگی در سه اصل مشترکند: آموزش فعالیت مشترک؛ آموزش فعالیت ها به صورت مشترک و گروهی؛ و تقویت عملکرد گروهی.

وجوه تمایز روش های مشارکتی بر اساس شیوه سازماندهی تکالیف و شیوه ارائه پاداش مشخص می شوند: شیوه سازماندهی تکالیف: الف) تکالیف به صورت مشترک باشد و نمره کلی دریافت کنند. ب) دانش آموزان به صورت انفرادی کار کنند و ارزشیابی شوند در حالی که روی یک موضوع کلی کار می کنند. که این روش دوم باعث می شود همگی افراد گروه درگیر کار شوند.

شیوه ارائه پاداش: اگر در ارائه پاداش به دانش آموزان هر دو جنبه فعالیت فردی و گروهی در نظر گرفته شود بعضی از مشکلات روش مشارکتی برطرف میشود. مثلاً در تمرین ضرب و تقسیم معلم میتواند دانش آموزان را هم انفرادی و هم گروهی امتحان کند یا متوسط نمره تک تک اعضای گروه را نمره گروهی فرض کرد.

انتقاداتی به شیوه مشارکتی شده است که به آنها اشاره می کنیم: ۱- آیا یادگیری مشارکتی منجر به رقابت بین گروهها نمی شود؟ این درحالی است که ما ضعف روش سنتی را رقابت و شکست برخی از دانش آموزان می دانستیم. اما روش مشارکتی نیز میتواند برای گروهی که به موفقیت کمتری می رسد آثار نامطلوبی داشته باشد.

۲- آیا این روش برای برخی از افراد فشار زاست یا نه؟ در گروه های بزرگ این قبیل دانش آموزان میتوانند خود را مخفی نگه دارند ولی در گروههای کوچک چطور؟ به هر صورت اگر دانش آموزان احساس «آسیب پذیری» کنند ممکن است شیوه مشارکتی برای آنها مفید نباشد. البته شاید معلمان با جابجا کردن دوره ای این افراد در گروههای مختلف بتوانند این مشکل را تا حد زیادی کاهش دهند.

۳- چرا باید هر گروه ترکیبی از استعدادهای خاص و عمومی باشد؟ اگر بعضی از دانش آموزان قبلاً در فعالیت های مشارکتی شرکت کرده اند، از آنها به عنوان دستیار استفاده کنید.

د) فراهم کردن جو مثبت و مطلوب برای یادگیری و آموزش.

راهبرد چهارم برای رهبری و هدایت کلاس، در حقیقت چکیده و نتیجه سه راهبرد قبلی است. پیشنهاد هایی برای کمک به این زمینه وجود دارد که به آنها اشاره می کنیم:

۱- مقررات کلاس را با مشارکت دانش آموزان تدوین کنید و بیشتر بر پیامدهای مثبت اطاعت از قوانین تاکید کنید.

۲- آموزش کلاس را با قاطعیت و جدیت شروع کنید و سپس آزادی بیشتر بدهید.

۳- شرایط و ضوابط کلاس را مرتباً طبق نظر دانش آموزان تغییر ندهید.

۴- از تهدید بپرهیزید.

۵- بر عملکرد دانش آموزان تمرکز کنید نه شخصیت آنها.

۶- آرام و قاطع برخورد کنید.

۷- از انتقامجویی یا تمسخر دانش آموزان بپرهیزید .

۸- اگر عصبانی هستید ابتدا خود را کنترل و سپس به صحبت بپردازید.

۹- رفتار های نامطلوب را با جریمه، به تکالیف درسی پیوند نزنید.

۱۰- با دادن فرصت دوباره به دانش آموزان خاطی و پذیرش آنها، آنها را تقویت کنید.

- ۱۱- از اشتباهات کوچک چشم‌پوشی کنید.
- ۱۲- یادگیری را معنی‌دار کنید.
- ۱۳- در صورت لزوم و عدم توجه به اشاره‌های غیرمستقیم، دانش‌آموزان را به طور مستقیم مورد خطاب قرار دهید.
- ۱۴- از ساز و کارهای پیچیده روانشناختی و عواملی که بر تدریس اثر می‌گذارد استفاده کنید.
- ۱۵- به تأثیر انتظار معلم و تحقیقات انجام شده در این زمینه توجه داشته باشید.
- ۱۶- کلاس درس را نظامی اجتماعی در نظر بگیرید. بدون تردید این آموزش‌ها و نوع روابط آموخته شده در زندگی بزرگسالی هر دانش‌آموز تأثیر می‌گذارد و میزان موفقیت یا عدم موفقیت او را تا حدود زیادی مشخص می‌کند.

منابع:

۱. آندرسون، لورین دبلیو. افزایش اثر بخشی معلمان در فرایند تدریس. ترجمه دکتر محمد امینی. تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۹۷.
۲. اسپالدینگ، چریل. ال. انگیزش در کلاس درس. ترجمه محمد رضا نائینیان و اسماعیل بیابانگرد. تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۹۹.
۳. اسماعیلی نسب، مریم. «می خواهم وارد کلاس شوم!» معلم. دی ماه ۱۴۰۳: ۴.
۴. اکرمی. ناهید. «انضباط چیست و بهترین روش های انضباطی کدامند؟». تربیت. ۱۷ آبان ۱۴۰۰: ۲.
۵. براون، جورج. تدریس خرد. ترجمه علی رؤوف. تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۹۳.
۶. پالاردی ج. میشل و توماس. ج. پالاردی. انضباط در کلاس درس. ترجمه عباس سازش. پیوند. فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۲: ۲۸۳ و ۲۸۲.
۷. پاملا، آر ردیستن. روان شناسی تربیتی. ترجمه شهاب الدین مشایخی ۱۴۰۳.
۸. تابر، روبرت. تی. الفبای مدیریت کلاس درس. تهران: انتشارات مدرسه، ۱۳۹۹.
۹. تاج الدین. ضیاء «مدیریت کلاس درس، مفاهیم، شالوده ها و راهکارها» رشد تکنولوژی آموزشی. بهمن ۱۳۹۲.
۱۰. جویس، بروس و مارشا ویل. الگوهای تدریس. ترجمه دکتر محمدرضا بهرنگی. نشر گلچین، ۱۴۰۰.
۱۱. دیناروند. حسن. «نیم رخ مدیریت کلاس شما چیست؟» رشد تکنولوژی آموزشی. مهرماه ۱۴۰۳.
۱۲. صالح، حسین. دانستنی های دانش آموزی. نشر طلا. ۱۳۹۹.
۱۳. صیامی، توحید. مترجم «شیوه های ایجاد نظم و انضباط سالم در کلاس». رشد تکنولوژی آموزشی. بهمن ۱۳۸۴: ۳.
۱۴. عباسی اول. کریم. «بررسی نحوه تأثیر مدیریت معلم در جریان یاددهی و یادگیری» تربیت. ۲۰ اسفند ۱۴۰۳: ۶.
۱۵. کدیور، پروین. روانشناسی تربیتی. تهران: انتشارات سمت. ۱۴۰۲.